

۱۹ بهمن



نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۱۰ - مرداد ۱۳۸۲

شورش مردم سمیرم

روز جمعه ۲۴ مرداد ماه، مصوبه وزارت کشور مبنی بر الحاق روستای "وردشت" به "دهاقان" و تبدیل دهاقان به شهرستان، به دستاویزی برای شورش هزاران تن از مردم زحمتکش این منطقه در شهرستان "سمیرم" در استان اصفهان تبدیل شد. ابعاد شورش توده‌هایی که در طول ۲۵ سال حاکمیت جمهوری اسلامی کمرشان بطور فزاینده‌ای در زیر بار مصائب اقتصادی-سیاسی ناشی از نظام ضد خلقی حاکم خم شده در سمیرم به گونه‌ای بود که منجر به برخوردهای گسترده و درگیری مسلحانه بین مردم معترض و نیروهای انتظامی حکومت گشت. در جریان این درگیریها، به اعتراف نماینده سمیرم در مجلس رژیم حداقل ۶ تن از توده‌های معترض جان باختند و ۳ تن از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بدست مردم معترض کشته شدند و صدها تن دیگر مجروح گشتند. اعتراضات و درگیریهای توده‌های بجان آمده با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی ۳ روز تداوم یافت و شهر سمیرم را به تعطیلی کشانید.

اعتراضات قهرآمیز اخیر در سمیرم اساساً در چهارچوب تضادهای فی مابین دار و دسته‌های غارتگر حکومتی که در جدایی و یا عدم جدایی این روستا از شهرستان سمیرم دارای منافع بودند و با تجمع صدها تن از مردمی که با طرح الحاق "وردشت" به "دهاقان" مخالفت می‌کردند، در جلوی فرمانداری آغاز شد. به اعتراف علی افشاری عضو شورای شهر سمیرم، این اعتراضات در آغاز "کاملاً عاری از خشونت بود و عده‌ای از مردم ۳-۴

روز با آرامش در مقابل فرمانداری شهر دست به تحصن زده بودند. اما با اینکه گزارش این تحصن به مقامات مسئول ارسال شده بود، هیچیک از مسئولان استانداری و یا وزارت کشور حاضر به پاسخگوئی نشده بودند.

این اعتراضات در شرایطی به وقوع پیوست که به گفته نماینده سمیرم در مجلس رژیم، او در مورد مخالفت مردم منطقه "از آغاز به وزارت کشور و وزارت اطلاعات هشدار داده بود" و گفته بود که "تصمیم به جدائی این دهستان از وردشت به بروز تشنج خواهد انجامید". برغم این "هشدارها" در مورد مخالفت مردم، مقامات سرکوبگر جمهوری اسلامی بجای رسیدگی به خواسته‌های مردم از زبان سردار ذوالفقاری، فرمانده مزدور نیروی انتظامی رژیم در استان اصفهان دستور حمله به مردم معترض را صادر کردند. حمله به مردم متحصن و اعمال خشونت از سوی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کاسه خشم توده‌های معترض را سرریز کرده و موجب درگیری بین مردم و مامورین شد. در گرماگرم این بحران، ظهر روز شنبه فرماندار سمیرم با حضور در میان تجمع کنندگان در مقابل فرمانداری، در میان انبوه محافظان خود کوشید تا آنان را با تهدید و دادن وعده و وعید آرام کند. اما معترضین فریب این اقدام فرماندار را نخوردند و با سر دادن شعارهایی بر علیه مقامات رژیم به اعتراضات خود ادامه دادند. محافظان فرماندار با مردم معترض درگیر شده و کار به سنگ پراکنی و تیراندازی کشید. عصر همان روز با تجمع هزاران تن از مردم خشمگین و سر دادن شعار بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی درگیریهای مسلحانه ادامه یافت. در جریان این درگیریها مردمی که با بی توجهی مسئولان و سرکوب آنها روبرو شده بودند با آتش زدن لاستیک و پرتاب بطریهای آتشزا و استفاده از سلاح گرم به مقابله با مزدوران رژیم

پرداختند و به مراکز سرکوب حکومت حمله کردند. در نتیجه این درگیریها که تا روز یکشنبه نیز ادامه یافت ۳ تن از نیروهای سرکوبگر بدست مردم خشمگین کشته شدند. چندین خودرو نیروهای انتظامی به آتش کشیده شد، شیشه‌های فرمانداری و چند ساختمان دولتی دیگر شکسته شد و به آنها خساراتی وارد آمد. در جریان این حملات دکل‌های صدا و سیما رژیم نیز تخریب گشت. مقامات وزارت کشور که به شدت از عواقب ادامه درگیریها و سرریز شدن خشم توده‌های متنفذ از کلیت دستگاه حکومتی هراسان شده بودند، با دستپاچگی تمام مصوبه خود را باطل اعلام کرده و طی صدور اطلاعیه‌ای از طریق معاونت سیاسی - امنیتی استانداری به مردم سمیران اعلام کردند که "منطقه وردشت کمافی السابق جزء لاینفک شهرستان سمیرم بوده و به دهاقان الحاق نخواهد شد."



* رشد فحشاء،

ارمغان جمهوری اسلامی!

* CIA عوامل فاجعه

۱۱ سپتامبر را از قبل می‌شناخت!

* اخبار:

- * جنگ عراق، میدان آزمایش سلاحهای جدید
- * قتل یک دانشجو توسط وزارت اطلاعات
- * مرگ غم‌انگیز پناهجوی ایرانی در هلند
- * دولت هلند و مبارزه با "تروریسم"



رشد فحشا، ارمغان جمهوری اسلامی!

در این میان نقش رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی در تحکیم و گسترش دامنه این بیماری اجتماعی بسیار برجسته است. در عرصه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی سیاستها و عملکردهای این رژیم ضدخلقی که تمام هم و غم اش دفاع از منافع طبقه حاکم یعنی سرمایه داران زالوصفت وابسته است هر روز بیشتر به بازتولید فقر و فلاکت برای اکثریت جامعه و بالنتیجه گسترش فحشا در میان خانواده های در هم پاشیده کارگری و محروم منجر می گردد. تحت حاکمیت این رژیم ضدمدرمی قریب به دو سوم آحاد جامعه در زیر "خط فقر" زندگی می کنند، بیکاری، گرانی، تورم با شتابی روزمره افزایش می یابد و کمر خانواده های کارگری و زحمتکش را خرد می کند. به رغم تمامی این فشارها سرمایه داران زالوصفت وابسته و رژیم مدافع آنان حتی حقوق های بخور و نمیر صدها هزار تن از کارگران و کارمندان زحمتکش را گاه تا ۲۴ ماه نیز پرداخت نمی کند و با گرسنه و مقروض نگاه داشتن هزاران خانواده کارگری و فقیر شیرازه اقتصادی - اجتماعی حیات آنها را هرچه بیشتر از هم می گسلند. تحت چنین اوضاع و احوالی است که ما شاهدیم چگونه این خانواده ها در چنان ورشکستگی و شرایط درمانده و فجیعی قرار می گیرند که دختران و زنان آنها گاه حتی با علم شوهران و پدر و مادران خود به تن فروشی روی می آورند تا شکم گرسنه خود و خانواده شان را سیر کنند.



بقیه در صفحه ۳

رشد سرسام آور تعداد دختران خیابانی و تن فروش در سالهای اخیر در جمهوری اسلامی به ویژه در شهرهای بزرگ نظیر تهران به قدری محسوس است که گاه و بیگاه به سوژه تهیه گزارش و خبر توسط خبرگزاری های خارجی بدل می گردد.

روزنامه آلمانی "فرانکفورتر آگماینه" در گزارشی راجع به این پدیده در جمهوری اسلامی می نویسد: "بنفشه در سال پیش برای نخستین بار سوار انومبیل مردی شد که او را به خانه اش برد. او خوش شانس بود. چرا که از آن زمان به صورت مرتب به آپارتمان مرد می رود و به سفارش او مشتریان ثابتی پیدا کرده است. بنفشه از یک خانواده قشر پائین است. او پنجمین و کوچکترین فرزند یک خانواده فقیر شیرازی است که پدرش را خیلی زود از دست داد. ۱۵ ساله بود که برخلاف میل خودش مجبور به ازدواج شد. چهارسال پیش موفق شد از شوهر معتادش طلاق بگیرد. از آن زمان به تنهایی و از راه تن فروشی زندگی خود و پرورش را اداره می کند". البته قصه دردناک زندگی "بنفشه" انعکاس تمامی واقعیت مربوط به چگونگی حیات و معاش زنان تن فروشی نیست که "شانس" بنفشه را ندارند در شرایط بسیار مصیبت بارتری به این حرفه مشغولند. بسیاری از آنها مجبورند که در شرایط فقدان یک سرپناه دائم برای شکم خود در شرایط بسیار بدتری نظیر پارک ها کار کنند و زندگی را به سر کنند.

یکی از ویژگی های بارز توسعه مناسبات استثمارگرانه نظام سرمایه داری وابسته در ایران که تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی توسعه هرچه بیشتری یافته است، رشد وحشتناک فقر و فلاکت و بیکاری و به موازات آن گسترش فزاینده فحشا و تن فروشی در میان زنان و به ویژه آنهایی است که زندگی شان به دلیل مناسبات سرمایه داری حاکم به فقر و فلاکت کشیده شده است. زیر سایه شوم حکومت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، در حالی که میلیونها تن از کارگران و توده های زحمتکش و فقیر هر روز بیشتر در مرداب فقر و گرسنگی و بیکاری غرق می شوند، به همان سرعت ما شاهد رشد افسارگسیخته آمار زنانی هستیم که برای سیر کردن شکم خود و خانواده های شان به فروختن جسم خود روی می آورند. زنانی که اکثرا از طبقات فقیر و محروم هستند. آمار تکان دهنده ای که اخیرا از سوی "مرکز آمار سازمان بهزیستی اجتماعی" رژیم جمهوری اسلامی منتشر شده حاکی از آن است که در ایران امروز حداقل یک میلیون و هفتصد هزار "زن خیابان خواب" وجود دارند که ۳۰۰ هزار تن از آنها برای تامین معاش خود و فرزندان شان تن فروشی می کنند. همین سازمان اضافه می کند که "۶ درصد" از زنان ایران که اکثر آنها "زنان جوان" هستند تحت فشارهای مختلف اقتصادی و اجتماعی از خانه ها می گریزند و سرانجام به دلیل عدم توانایی اقتصادی و نداشتن سرپناه به دهها هزار زن دیگری می پیوندند که برای یک وعده غذا و محل خواب در زیر سقف یک خانه مجبور به تن فروشی می گردند.

شورش مردم سمیرم (بقیه از صفحه ۱)

رویدادهای خونین اخیر در شهرستان سمیرم که آتش آن در جریان تشدید تضادهای درونی بین دار و دسته های غارتگر جمهوری اسلامی شعله کشید و با درگیری مسلحانه بین مردم و مزدوران حکومتی به یک تظاهرات ضد دولتی تمام عیار تبدیل گشت، بار دیگر از شرایط بحرانی جامعه ما و نفرت عمیق توده های تحت ستم از نظام ضد خلقی حاکم و رژیم حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی پرده برمی دارد. رویدادهای خونین سمیرم یکبار دیگر نشان میدهند که چگونه بر بستر فقر و فلاکت، بیکاری و رنج و محرومیت و سرکوب ددمنشانه ای که نظام سرمایه داری وابسته و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برای کارگران و

حاکم و عمق نفرت مردم از رژیم جمهوری اسلامی را با وضوح هرچه بیشتر به نمایش بگذارد. درک همین واقعیت نگران کننده در میان بالائیهاست که معاون وزیر کشور جمهوری اسلامی را وامیدارد تا با اشاره به حوادث سمیرم اعتراف کند که "هزینه بحث هایی مانند الحاق، انتزاع و تقسیم در کشور بالا رفته است" و از "نتایج نگران کننده" گسترش زمینه های "پتانسیل خشونت جمعی در ایران" به همپالگی های خود هشدار بدهد.

لازم به یاد آوری است که در جریان سرکوب قهرآمیز اعتراضات مردم سمیرم، صدها تن از توده های معترض توسط نیروهای سرکوبگر دستگیر شده اند که مساله آزادی آنها یکی از خواستههای مبرم اهالی سمیرم را تشکیل میدهد.

زحمتکشان و توده های محروم ما به ارمغان آورده، هر اعتراض و خواست برحق صنفی ای که میتواند در یک شرایط عادی به صلح آمیزترین وضع ممکنه حل و فصل شوند، به خاطر اعمال دیکتاتوری مطلق و سرکوب عنان گسیخته رژیم جمهوری اسلامی سریعاً بار قهرآمیز و خونین یافته و به رویارویی توده های به جان آمده با کل نظام حاکم بدل میگردد.

در چنین اوضاع و احوال بحرانی ای است که ما میبینیم هر فضای بوجود آمده برای بیان اعتراض جمعی توده های تحت ستم و زحمتکش بر علیه مظالم موجود مانند یک مسابقه فوتبال و یا یک تقسیم جغرافیایی و اداری در شهرها و استانها و حتی روستاها میتواند به یک انفجار توده ای و قهرآمیز بدل گردد و بی پایگی نظام ضد خلقی



CIA عوامل فاجعه ۱۱ سپتامبر را از قبل می شناخت!

هدایت کرد. بر اساس اطلاعات سازمان جاسوسی آلمان فرد مزبور در زمانی که در آلمان تحصیل می کرده با فردی بنام حیدر سمیر Haydar Zammar اهل سوریه اما تابع آلمان رابطه داشته که این فرد در هامبورگ زندگی میکرده و با القاعده ارتباط داشته است.

مطابق گزارشات فوق حیدر سمیر به عنوان یک سرخ ارتباط با القاعده از سال ۱۹۹۳ برای CIA شناخته شده بود. سازمان اطلاعات آلمان سمیر را تحت نظر داشته و تلفن او را کنترل می کرده است و زمانی که در سال ۱۹۹۹ شخصی بنام مروان Marvan به او تلفن می کند، سازمان مزبور اطلاعات بدست آمده را فوراً در اختیار CIA قرار میدهد.

بر اساس گزارش این نشریه CIA کاملاً بر فعالیتهای این افراد آگاه بوده و به همین دلیل می توانسته نقش آنها در حادثه ۱۱ سپتامبر را دقیقاً خنثی سازد.

نشریه "فرانکفورت روند شاو" چاپ آلمان در مطلبی که در شماره ۱۴ آگوست ۲۰۰۳ خود منتشر نمود، گزارش داد که سازمان جاسوسی آمریکا CIA مدتها قبل از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر اطلاعات موثقی در مورد یکی از خلبانانی که در این حرکت نقش داشته در اختیار داشته ولی با این وجود در جهت دستگیری فرد مورد نظر و یا جلوگیری از فعالیت هائی که به فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر انجامید اقدامی صورت نداده است.

به گزارش این نشریه و همچنین اطلاعاتی که مجله "اشترن" و تلویزیون آلمان کانال ARD منتشر نموده اند، سازمان اطلاعاتی آلمان دو سال و نیم قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر، اطلاعات کاملی در باره این خلبان و رابطه اش با القاعده در اختیار CIA قرار داده بود. مطابق این گزارشات، خلبان مورد استناد یعنی Marvan Al Shehhi مروان ال شهی، همان کسی است که به ادعای دولت آمریکا در روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ یک هواپیمای بوئینگ ربوده شده را به طرف برج جنوبی مرکز تجارت جهانی در نیویورک World Tower



فطرت حکومتی و آخوندهای دون صفت است چگونه به بهای قربانی کردن روح و جان زنان و دختران محروم تن فروش، سودهای کلانی به جیب می زنند. آنها حتی با استفاده از این قربانیان برای عیش و نوش خود نیز "خانه های امن" به راه می اندازند. در این رابطه آش آنقدر شور شده که حتی خان هم به صدا در آمده است. چنانکه جمیله کدیور یکی از نمایندگان زن در مجلس حکومتی به خبرنگار روزنامه آلمانی فرانکفورتر آگماینه اعتراف می کند که "تن فروشی به تجارت در خیابانهای تهران تبدیل شده است. دائماً مواردی کشف می شوند که کارمندان و حتی مقامات قضایی در آن دست دارند" او اضافه می کند که تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی "در سالهای گذشته ارزشهای مذهبی رنگ باخته اند".

فحشا و تن فروشی یکی از بیماری های اجتماعی فحیح ولی رایج است که نظام سرمایه داری و رژیم های حافظ آن برای جامعه به ارمغان می آورد. تحت این نظام استثمارگرانه است که ما می بینیم چگونه برغم موعظه خوانی های اخلاقی سرمایه داران و حکومت های مدافع آنان همه چیز حتی جسم و تن انسانها به کالا تبدیل شده و در سطح اجتماعی به صورت سیستماتیک و سازمان یافته در مقابل پول

رشد فحشاء، ارمغان ... (بقیه از صفحه ۲)

از سوی دیگر سیاست رژیم در برخورد با این پدیده در سطح جامعه نیز شاهد دیگری بر ماهیت ضدخلقی جمهوری اسلامی است. مقامات فاسد و آخوندهای ردل و جانی حاکم در همان حال که از بلندگوهای تبلیغاتی و منابر مساجد مرتباً در باب سجایای اخلاقی و ارزش های اسلامی نظام شان به توده های گرسنه و فقیر پند و نصیحت می دهند بدون توجه به ریشه های اقتصادی گرایش به فحشا که همانا حاکمیت مناسبات سرمایه داری در ایران می باشد، برخورد خشونت آمیز و سرکوبگرانه را اساس سیاست خود قرار داده و گاه و بیگاه برای به اصطلاح برکندن این بیماری اجتماعی به خیابان ها یورش آورده و تعدادی از زنان و دختران نگون بخت را دستگیر و به سیاهچال های خود می اندازند و سپس از "مبارزه" با فحشا داد سخن می دهند.

اما درست در همان شرایط که مقامات رژیم پز مبارزه با بیماری های اجتماعی زائیده نظام سرمایه داری و از جمله فحشا را می گیرند، ما شاهدیم که باندهای قاچاق فحشا که سر نخ گردن کلفت ترین آنها در دست خود سرمایه داران زالوصفت و مقامات پست

خرید و فروش می شود و سود و ارزش اضافه ناشی از آن برای طبقه حاکم یعنی سرمایه داران استثمارگر و زالوصفت منبع دیگری از در آمد و ثروت اندوزی است. رشد وحشتناک فحشا و تن فروشی در ایران و تحت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی فاکت روشنی در تأیید این حقیقت است.





جنگ عراق . میدان آزمایش سلاحهای جدید

در چارچوب افشاگری هایی که بر بستر تضادهای بین قدرتهای امپریالیستی در رابطه با اشغال عراق توسط آمریکا و جنایاتی که نیروهای آمریکایی در لشکر کشی به عراق مرتکب شده اند، صورت میگیرد، اخیراً رو شده است که نیروهای آمریکایی به کرات از سلاحهای کشتار غیرمجاز بر علیه مردم عراق استفاده کرده اند. مطابق گزارش یک شبکه تلویزیونی بنام ARD ، نیروی هوایی آمریکا در جریان بمبارانهای سنگین شهرهای عراق نوعی بمب جدید بنام MK 77 را آزمایش کرده و وسیعاً مورد استفاده قرار داده اند. این بمب ها با قدرت تخریبی وحشتناک خود شبیه بمبهای مخوف ناپالم عمل میکنند که استفاده از آنها مطابق قوانین بین المللی غیرمجاز است. شایان ذکر است که در جریان اشغال عراق توسط نیروهای متجاوز آمریکایی، حداقل ۱۰۰۰۰ تن از مردم عراق جان خود را از دست دادند که شمار بزرگی از آنان را غیرنظامیانی تشکیل میدهند که در اثر بمبارانها و گلوله باران مناطق مسکونی کشته شده اند. دولت بوش پس از ۱۱ سپتامبر تحت پوشش استراتژی "جنگ بی پایان" میلیاردها دلار را برای طراحی سلاحها و بمب های جدید و از جمله بمب های اتمی کوچک با قدرت تخریبی بسیار زیاد هزینه کرده است.

قتل یک دانشجو توسط مامورین وزارت اطلاعات

اخیراً در جریان دعوای درونی مقامات رژیم رو شد که مامورین اطلاعاتی حکومت یکی از دانشجویان را در زیر زمین مسجدی در تهران به قتل رسانده اند. محمد رضا علی حسینی ، یکی از نمایندگان مجلس رژیم در جریان سخنرانی اش در مجلس ضمن انتقاد از "برخوردهای سرکوبگرانه" مامورین وزارت اطلاعات با جنبش دانشجویی رو کرد که در اوائل مرداد ماه لباس شخصی ها دانشجویی به نام حسن احمد زاده را در زیر زمین مسجد ابوالفضل تهران به

قتل رسانده اند. لازم به ذکر است که در جریان سرکوب موج جدید جنبش دانشجویی- مردمی در ماه های اخیر، مزدوران حکومت هزاران تن را دستگیر کرده و آنها را در زندانهای علنی و غیرعلنی خود در نقاط مختلف، تحت شدیدترین شکنجه ها قرار داده اند.

مرگ غم انگیز پناهجوی ایرانی در هلند

روزنامه های هلند اخیراً شکایتی یکی از پناهجویان ایرانی (جلال مولوی) بر علیه مسئولین امور بهداشت و درمان امور پناهندگان را منعکس و در مورد آن به بحث پرداخته اند. موضوع شکایت، مربوط به مرگ همسر این پناهجو، فریده کریمی می باشد که در اثر عدم توجه مسئولان امور بهداشتی و درمانی کمپ پناهندگی "آپلسخا"، در دوم نوامبر گذشته در گذشت. بنا به اظهارات جلال مولوی ، وی پس از تظاهرات دانشجویی - مردمی ۱۸ تیر ۱۳۷۸ مورد تعقیب مزدوران رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی قرار گرفته و پس از چند ماه در بدمتری، به همراه همسر و دو فرزند خردسال اش به هلند می گریزد. چند ماه پس از ورود به هلند، همسر وی فریده کریمی، دچار ناراحتی سینه می شود ولی هر بار که به امور درمانی کمپ مراجعه می کند به او گفته می شود که او بیمار نیست و دچار اضطراب دوری از وطن شده است. اما، در واقعیت امر فریده بیمار بود و از سرطان سینه رنج می برد که در مراحل ابتدائی قابل درمان بود.

مرگ غم انگیز فریده کریمی ، یک بار دیگر فقدان امکانات درمانی در کمپ های پناهندگی و عدم توجه دست اندرکاران دولت هلند به مسایل پناهجویان را آشکار می کند.

دولت هلند

و مبارزه با "تروریسم"

روز ۵ اوت سال جاری دولت هلند "ملا کرکار" را از بازداشت آزاد و بر اساس حکم دادگاه باید مبلغ ۴۹۷۰ یورو به خاطر زندانی کردن "بدون دلیل"، به وی پرداخت نماید. ملا کرکار، رهبر یک سازمان کرد وابسته به جمهوری اسلامی به نام "انصار اسلام" می باشد که از سال ۱۹۹۱ به عنوان پناهنده ی سیاسی در نروژ زندگی می کند. بازداشت او در هلند به هنگامی صورت گرفت که

وی از ایران عازم نروژ بود و قصد تعویض هوایمای خود را داشت. (او از ۱۲ سپتامبر سال گذشته تا ۳۱ ژانویه سال جاری در بازداشت به سر می برد).

انصار اسلام که یکی از جریانان تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی می باشد اخیراً از طرف دولت اردن نیز به عنوان یکی از عوامل بمب گذار مورد تعقیب قرار گرفته. همچنین با توجه به شهرت این فرد به مثابه تروریست، دولت امریکا در جریان حمله به عراق، روستاهای محل سکونت بعضی از اعضای انصار اسلام را شدیداً بمباران نمود که منجر به فرار آن اعضاء به ایران شد. در چنین اوضاعی، آزاد کردن ملا کرکار از بازداشت و پرداخت جریمه به او از طرف دولت هلند، از معاملات پشت پرده این دولت با پشتیبانان تروریست وی و در رأس آن ها جمهوری اسلامی پرده برمی دارد و نشان می دهد که دولت هلند که همانند دیگر دولت های امپریالیستی از ضرورت مبارزه با تروریسم دم می زند، در عمل با تروریست های واقعی چگونه برخورد می نماید.

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره فکس و تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 – 208 – 8805621

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

